

در جلسه‌ای که با هدف بررسی عوامل آتش سوزی گسترده در جنگل های هیرکانی الیت برگزار شد و شورای سیاست‌گذاری حزب ندای ایرانیان به همراه دفتر محیط زیست این حزب میزبان آن بود، محمد داسمه، مشاور رئیس سازمان منابع طبیعی در امور حقوقی و تدوین لوائح، توضیحات جامعی درباره ابعاد حقوقی، مدیریتی و عملیاتی این حادثه ارائه کرد. او در ابتدای صحبت‌های خود یادآور شد که جنگل های الیت در محدوده منطقه حفاظت شده چهارباغ قرار دارند؛ بخشی از مناطق چهارگانه محیط زیستی که براساس بند «الف» ماده ۳ قانون حفاظت و بهسازی، شامل پارک ملی، منطقه حفاظت شده، اثر طبیعی ملی و پناهگاه حیات وحش می شوند. طبق ماده ۱۶ همین قانون، مدیریت این گونه مناطق بر عهده سازمان حفاظت محیط زیست است. منطقه حفاظت شده چهارباغ در سال ۱۳۸۰ با وسعتی بیش از ۱۹۵۰۹ هکتار تصویب و اعلام شد و جنگل الیت نیز جزئی از همین محدوده است. داسمه با اشاره به اینکه این جنگل در آبان‌ماه سال جاری سه مرحله دچار آتش سوزی شد، تأکید کرد که در دومرحله نخست، سازمان منابع طبیعی به سرعت عملیات اطفاء انجام داد، اما مرحله سوم که ۲۴۰۴ آبان آغاز شد، زمانی رخ داد که رضا افلاطونی، رئیس سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، در سفر کاری به برزیل حضور داشت. او بلافاصله پس از دریافت گزارش اولیه، علی نقی حیدریان، مدیرکل بازرسی سازمان منابع طبیعی، رابرای پیگیری ومدیریت عملیات اعزام کرد. داسمه افزود که حتی در مراحل قبل نیز محوریت عملیات اطفای حریق با سازمان منابع طبیعی بوده است، زیرا همه جنگل ها متعلق به ملت بوده ودستگاه‌ها مکلف به حفاظت از آنها هستند. به گفته او، در مرحله سوم آتش سوزی حدود ۴۰ نیروی عملیاتی در منطقه حضور یافتند؛ ۳۵۰ نفر از جنگلبانان سازمان منابع طبیعی و ۷۰ نفر دیگر شامل محیط بانان، نیروهای شهرداری تهران، کوهنوردان، نیروهای بومی و جمعیت هلال احمر بودند. این عملیات در شرایط بسیار دشوار، با شیب ۶۰ تا ۷۰ درصد و در منطقه‌ای صعب العبور انجام شد. تا لحظه گزارش جلسه، فرماندار، معاون حفاظت سازمان جنگل‌های طبیعی، مدیرکل بازرسی ومعاون امور محیط‌های سازمان منابع طبیعی همچنان در منطقه حضور داشتند.

استفاده از تجهیزات

او در ادامه به نقش بی سابقه استفاده از تجهیزات تهاجی اشاره کرد و گفت: برای نخستین بار در جنگل های هیرکانی بیش از چهار فروند هواپیمای ایلوشین و چندین فروند بالگرد در مجموع حدود ۱۷ پرواز انجام دادند. همچنین کمک‌های کشور ترکیه نیز نقش مهمی در لکه‌گیری آتش داشت. داسمه با ذکر اینکه نقاط دقیق آتش سوزی باتصاویر ماهواره‌ای مشخص می شد و به خلبانان ترک منتقل می گردید، تأکید کرد که پروازهای ترکیه به‌ویژه در دوروز اخیر در مهار آتش بسیار مؤثر بوده است. هواپیماهای ارتش، سپاه و هلال احمر نیز همگی بر اساس مختصات اعلامی سازمان منابع طبیعی مشغول عملیات بودند. او افزود که هم اکنون عملیات از نظر فنی کنترل شده و یک آتش بر به طول ۱.۵ کیلومتر عرض ۱۵ متر در پای غربی جنگل الیت ایجاد شده که نقش مهمی در مهار گسترش آتش داشته است. علاوه بر این، در استان گلستان نیز چهار نقطه دچار آتش سوزی شدند که با مدیریت صحیح در وضعیت بحرانی قرار نگرفتند. با این حال، داسمه یکی از مشکلات اساسی منطقه چهارباغ را فقدان دوربین های حرارتی، نظارتی و کنترلی دانست. او گفت: این منطقه با وسعت بیش از ۱۹ هزار هکتار تنها توسط دو پایگاه محیط بانی اداره می‌شود. بر همین اساس، با دستور رئیس سازمان منابع طبیعی و استقبال سازمان محیط زیست، مقرر شد پایگاه اطفای حریق ویژه‌ای در منطقه ایجاد شود. او اشاره کرد که رئیس جمهور، معاون اول ووزیر جهاد کشاورزی نیز به طور جدی پیگیری موضوع هستند وسردار ساجدی نیا، رئیس سازمان مدیریت بحران، شبانه روز در منطقه حضور داشته است.

تغییر کاربری اراضی؟

در ادامه جلسه، داسمه تأکید کرد که تاکنون هیچ فرضیه یا گزارشی درباره تلاش شرکت‌ها یا جوامع بومی برای تغییر کاربری یا تصرف اراضی دریافت نشده است. او اضافه کرد که عامل انسانی در ایجاد آتش سوزی تأیید شده، اما تشخیص عمدی یا سهوی بودن آن نیازمند بررسی‌ای امنیتی است که هم‌اکنون آغاز شده است. وی با اشاره به تبصره یک ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل ها گفت: همه قوای لشکری و کشوری مکلف‌اند در صورت درخواست سر جنگلبانی در عملیات اطفای حریق مشارکت کنند و کوتاهی در این زمینه جرم محسوب می شود. او افزود که با صدور فراخوان، ارتش، سپاه، وزارت دفاع و سایر دستگاه‌ها به‌طور کامل همکاری کردند. شرایط سخت منطقه سبب شده بود حتی آتش نشانی تهران نیز با وجود وظایف شهری، در چارچوب قانون در منطقه حاضر شود.

حمید حسینی در گفت وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

افزایش سالانه قیمت حامل های انرژی

طرح معاونت راهبردی انرژی می تواند

مصرف سوخت را کاهش دهد

آرمان ملی- احسان اسقایی: داستان مصرف و قیمت سوخت در ایران به داستانی پیرانده تبدیل شده. در مجلسی که حداد عادل در راس آن قرار داشت طرحی تحت عنوان تثبیت قیمت ها به تصویب رسید و این طرح از افزایش حدود ۱۰ درصدی حامل های انرژی برای سال ها جلوگیری کرد و بعد از آن هر دولتی به منظور کنترل مصرف و جبران هزینه ها به سراغ افزایش قیمت سوخت رفته: هزینه‌ای سرسام آور به جامعه منتقل شده است. هزینه مربوط به دوران حسن روحانی بود که مردم به شدت به این افزایش قیمت واکنش نشان دادند و هزینه‌های زیادی هم به جامعه تحمیل شد. به طوری که بعد از سال ها هنوز داغ آن هزینه‌ها آنقدر تازه به نظر می‌رسیده است که دولت را در افزایش قیمت حامل های انرژی دست به عصا کرده است. به هر

به نظر شما ضرورت اقتصادی افزایش قیمت بنزین چیست و آیا واقعا چاره‌ای جز این اقدام وجود داشت؟

ضرورت افزایش قیمت انرژی به شدت مصرف سوخت در ایران باز می‌گردد. میزان مصرف انرژی در ایران دو ممیز هشت برابر میزان مصرف در دنیاست. این میزان به حدی است که برای تامین انرژی درحال حاضر درکشور و در آینده با چالش‌هایی روبه‌رو هستیم. کشور ما به حدود ۱۱۵ میلیون لیتر بنزین نیاز دارد. همچنین دولت برای تهیه این حجم از بنزین پول می‌پردازد و در برابر به مردم بارانه می‌دهد که به علت نداشتن منابع برای تامین بنزین دچار کسر بودجه می‌شود. همچنین منابع ارزی نیز برای واردات بنزین وجود ندارد و تمامی این موارد دست به دست هم داده است تا دولت مجبور شود اصلاح جزئی اما هوشمندانه از قیمت بنزین اعمال کند. این تصمیم چون موجب افزایش قیمت جزئی در بنزین می‌گردد تأثیری در عامه مردم ندارد حمل و نقل عمومی تأمین می‌شود اما مناطق آزاد، خودروهای دولتی، نهاد ها و سفارتخانه ها و خودروهای لوکسی که مصرف کننده بنزین هستند بر این اساس و طبق این طرح باید بخشی از قیمت تمام شده بنزین را تامین کنند. افزایش قیمت بنزین در همین حد اعلام شده، موجب می‌شود که مقداری دست دولت در تامین منابع باز شود هر چند این مقدار با توجه به میزان کسری بودجه چندان زیاد نیست.

این تصمیم در شرایط فعلی تورم و فشار اقتصادی مردم چه تبعاتی می تواند داشته باشد؟

دولت با افزایش قیمت جزئی سوخت دنبال درآمد نیست اما در پی آن است که اگر امکان آن فراهم باشد، کم‌کم قیمت تمام شده بنزین که تامین هزینه آن برعهده دولت است بدون محاسبه قیمت نفت پرداخت شود. دولت برای استخراج نفت حدود ۵ دلار هزینه می‌کند و برای پالایش آن نیز همین میزان هزینه می‌شود و اگر هزینه‌های توزیع نیز به این موارد اضافه شود، قیمت واقعی و تمام شده بنزین برای دولت حدود هشت هزار و پانصد تومان می‌شود و دولت قصد دارد که دیگر کسر بودجه در این زمینه نداشته باشد و سالانه به میزان تورم قیمت پایه محصولات نفت و انرژی را افزایش دهد که شامل حال بنزین هم می‌شود. این مورد کمک می‌کند که هم دولت از این محل، بارانه‌های بخش کالا برگ را تامین کند که به نوعی با این اقدام افزایش قیمت سوخت به مردم باز می‌گردد. این تصمیم مثبت ارزیابی می‌شود چون با افزایش شدیدی قیمت این کالاها در بازار این افزایش یکی از دغدغه‌های اصلی مردم تبدیل شده است و دولت از این طریق می‌تواند به ۷ دهک جامعه کمک کند. اگر دولت می‌توانست شرایط را ایجاد کند که قیمت سوخت بیش از این افزایش می‌یافت قطعاً درآمدی نیز به دست می‌آورد. همچنین جزئی بودن افزایش قیمت سوخت در طولانی مدت هم نمی‌تواند اثری بر حمل و نقل یا بار داشته باشد. در کوتاه مدت البته آثار این تصمیم مشاهده خواهد شد. در گذشته نیز همین طور بود و برای مدتی بخشی از کالاها در نتیجه این افزایش قیمت گران شد اما اثر جدی بر تورم سالانه نداشت.



ترتیب هم اکنون و در دولت مسعود پزشکیان نیز تصمیم گرفته شده که قیمت سوخت افزایش یابد اما از هفته‌ها قبل رسانه‌ها در ارتباط با آن و کمیت و کیفیت این افزایش قیمت اطلاع رسانی کرده‌اند و اکنون جامعه در آمادگی لازم برای این افزایش قیمت از منظر روانی قرار دارد. هرچند افزایش قیمت‌ها در نتیجه این تصمیم دولت موضوعی است که جامعه را رنج می‌دهد. «آرمان ملی» در این ارتباط با حمید حسینی فعال اقتصادی به گفت وگو پرداخته او معتقد است دولت با این اقدام خود بار بودجه‌ای خود در تامین سوخت را کاهش داده و اگر درآمد حاصل از این طرح همان طور که وعده شده به کالابری اختصاص یابد شوک ناشی از افزایش قیمت بنزین هم کنترل خواهد شد. در ادامه این گفت وگو را می‌خوانید.

بزرگ تأمین می‌شد، شاهد افزایش قیمت دلار در بازار نبودیم. لذا دولت کنونی نیز باید در تصمیمات خود جدی باشد و در برابر افزایش قیمت سوخت هر مقدار هم که اندک است در تامین کالاهای اساسی مردم بکوشد تا شوکی در این ارتباط به اقتصاد و خصوصاً افراد در معرض آسیب و آسیب دیده جامعه وارد نشود.

درآمد حاصل از افزایش قیمت بنزین چگونه باید مدیریت شود تا شفافیت و اعتماد عمومی حفظ شود؟

با اجرای این طرح افزایش درآمد دولت در حدود ۴۴ هزار میلیارد تومان خواهد بود که آنقدر هم زیادی نیست. کافی است این میزان در آمد را با کسری بودجه دولت مقایسه کنیم آنگاه درک خواهیم کرد که دولت با افزایش قیمت سوخت دنبال درآمد و جبران جدی کسری بودجه خود نبوده است. برای درک بیشتر این رقم باید دانست که دولت از مسیر افزایش قیمت سوخت می‌تواند ۲ ماه بارانه را تامین کند. چراکه ماهانه ۲۷ هزار میلیارد تومان بارانه پرداخت می‌شود. به نظر دولت تصمیم عادلانه گرفته است چون آنقدر قیمت‌ها را افزایش نداده که صدای جامعه بلند شود و از سوی دیگر کسر بودجه‌اش برای تامین بنزین کاهش می‌یابد و از سوی دیگر منابع حاصل از این درآمد به مردم در قالب کالا برگ اختصاص می‌یابد که برای تامین زندگی مردم اقدام خوبی است و شوک‌های تورمی در اثر افزایش قیمت‌ها را کاهش می‌دهد.

اگر شما تصمیم‌گیر بودید، چه نسخه‌ای برای اصلاح قیمت بنزین ارائه می‌کردید که کمترین هزینه اجتماعی و بیشترین فایده اقتصادی را داشته باشد؟

طرحی توسط معاون راهبردی انرژی تهیه شده که در آن طرح بحثی در ارتباط با افزایش قیمت حامل‌های انرژی وجود ندارد بلکه براساس این طرح سهم حامل های انرژی به افراد واگذار می‌شود. هر فردی سهمیه بنزین، گاز و برق با قیمت فعلی خواهند داشت، اما به خودروها سهمیه‌ای داده نخواهد شد و افرادی که مصرف دارند می‌توانند از سهمیه خود مصرف کنند و مازاد را در بازار مبادله کنند. اگر این طرح اجرایی شود منافع آن در جیب افرادی خواهد رفت که یا خودرو ندارند و یا مصرف کمتری دارند و این مورد به تعدیل قیمت‌ها کمک می‌کند. این طرح باعث می‌شود افزایش قیمت سالانه سوخت و تامین هزینه آن به دولت فشار نیارود. دولت همین میزان خانگی بر برق و بنزین و... را به صورت کارانه برای بین مردم توزیع خواهد کرد و هر مقدار که نیاز مردم بود مصرف می‌شود اضافه آن در بازار معامله می‌شود این طرح منطقی‌ترین اقدامی است که از مصرف رویه انرژی که موجب وجود لوازم خانگی بر مصرف و خودروهای پر مصرف شده، جلوگیری کند و بر مصرف‌ها بازار خارج شود. در کشور ما باید میانگین ۷۵ میلیون لیتر بنزین مصرف شود و حدود ۵ میلیون لیتر هم موتورسیکلت‌ها و ۱۰ میلیون لیتر هم خودروهای دولتی باید مصرف کنند. اکنون حدود ۱۲۰ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌شود. اگر قیمت سوخت در مبادله بین مردم اصلاح شود قطعاً قاچاق هم کنترل خواهد شد.

رحمان قهرمان پور:

چرخش آمریکا در سیاست خارجی برای ایران هم فرصت است و هم تهدید

که به کشورهای مستقل مانند ایران فضایی برای تنفس می‌دهد و تهدید هم هست، زیرا طبق تجربیات قبلی، ممکن است باعث افزایش تنش‌ها خصوصاً از ناحیه اسرائیل شود. قهرمان پور ادامه داد: اما در کنار تمام این‌ها، نکته‌ای در این سند وجود دارد که می‌توانیم آن را نشانمانی از کاهش اهمیت خاورمیانه برای آمریکا بدانیم و آن اینکه آمریکا در این سند تأکید می‌کند تنها در صورت شکل‌گیری تهدید مستقیم در خاورمیانه علیه منافع آمریکا، این کشور اقدام به واکنش نظامی خواهد کرد. چرخش ایالات متحده نسبت به خاورمیانه، برای ایران هم فرصت است و هم تهدید. اگر ایران حاضر خود در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را گسترش دهد و در این نظم جدیدی که در حال ایجاد است، بازیگری کند و پیوندهای خود با جهان را افزایش دهد، می‌تواند از فرصت‌های این امر استفاده کند.

ائتلاف سازی را کنار گذاشته و بر سیاست «اول آمریکا» تأکید و به نوعی اعلام می‌کند تا زمانی که منافع اقتصادی ایالات متحده تهدید نشود، در هیچ موضوعی مداخله نخواهد کرد. این چرخش روشنی در سیاست خارجی آمریکا است. این تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اشاره به تمرکز جدی این سند بر نیمکره غربی جهان و قاره آمریکا، بیان کرد: تمرکز ایالات متحده بر آمریکای لاتین و کارائیب چندین پیامد دارد. این تحلیلگر مسائل بین‌الملل با بیان اینکه افزایش تمرکز ترامپ بر نیمکره غربی، تأثیراتی را بر دیگر نقاط جهان نیز خواهد داشت، گفت: وقتی آمریکا عمده تمرکز خود را به آمریکای لاتین معطوف کند، از توجه او به اروپا، آسیا و خاورمیانه کاسته خواهد شد. این یک تهدید برای اروپاست، زیرا این قاره به لحاظ امنیتی به آمریکا وابسته است. این موضوع اما برای خاورمیانه هم فرصت است و هم تهدید؛ فرصت از این منظر

ذره بین

کارت‌های روی میز ونقطه عطف تاریخی تهران دوساروی هشدارآمیز برای تل آویو

در شرایطی که پس از جنگ دوازده روزه معادلات خاورمیانه دستخوش تغییرات ژرفی شده، به نظر می‌رسد تهران در حال محاسبه گزینه‌های خود است.

نقطه عطف تهران

اکنون میست نوشت؛ ایران در نقطه عطف قرار دارد. وزن استراتژیک این کشور دچار تحولات شگرفی شده است. اگر چه آمریکا می‌خواهد ایران از برنامه هسته‌ای و سیاست‌های منطقه‌ای خود دست بردارد، اما در تهران محاسبات متفاوتی برقرار است. با توجه به تحولات دو سال اخیر، اولویت تهران آمادگی برای هر گونه درگیری بعدی است. پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای تاریخی با ایران که بااراک اوپاما در سال ۲۰۱۵ به آن دست یافته بود، تهران چشم‌انداز دیپلماسی را رد کرد، اما همچنان تصور می‌شد می‌توان از جنگ اجتناب کرد. این ابهام استراتژیک زمانی غیرقابل دفاع شد که اسرائیل از خطوط قرمز در لبنان و سوریه رد شد. سپس آمریکا دیپلماسی را به نفع حمله نظامی کنار گذاشت.

کارت‌ها و استراتژی تازه

به باور ولی نصر، تهران در تلاش است استراتژی جدیدی ارائه دهد؛ استراتژی‌ای که با ترغیب آمریکا به مشارکت در معامله، از جنگ دیگری جلوگیری کند. تهران معتقد است که هنوز کارت‌هایی برای بازی دارد. برنامه هسته‌ای و همچنین ذخایر اورانیوم غنی شده‌اش هنوز وجود دارد. آمریکا و اسرائیل ممکن است حملات بیشتری را در نظر بگیرند. چالش این است که دولت تمامب متقاعد شود که دیپلماسی بهترین گزینه است.

دو مسیر پیش رو

اما آیا ایران آماده است تا برای رسیدن به توافق از خطوط قرمز قبلی خود فراتر رود؟ ایرانی‌ها در این مورد اتفاق نظر ندارند. یک گروه رو به رشد استدلال می‌کند که دکترین هسته‌ای ایران اکنون باید تغییر کند. از سال ۲۰۰۳، ایران در مورد پیگیری برنامه هسته‌ای خود صریح بوده و در عین حال سلاح‌های هسته‌ای را رد کرده است. ایران در مذاکرات شرکت کرد و با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری داشت، اما غرب هرگز از اهداف تهران متقاعد نشد. ایران انتظار داشت که برنامه هسته‌ای رو به گسترش آن، آمریکا را مجبور به بحث در مورد لغو تحریم‌ها کند، اما هرم هسته‌ای فقط غرب را نگران کرد و منجر به تحریم‌های بیشتر شد. اکنون تندروها به همراه بسیاری از میانه‌روها، استدلال می‌کنند که ایران اکنون باید کاری را که از ابتدا باید انجام می‌داد، انجام دهد: پیروی از مسیر هسته‌ای هند، کره شمالی و پاکستان. آنها استدلال می‌کند که ایران باید به سوی بازآزادنگی هسته‌ای حرکت کند. اما محققان استدلال می‌کنند که این مسیر تنها انزوا و درگیری بیشتر را به دنبال خواهد داشت و ایران باید در ازای دریافت کمک‌های اقتصادی معنادار، با کاهش شدید برنامه هسته‌ای موافقت کند. آنها معتقدند که این مسیر زمینه‌ی رفاه اقتصادی ایرانیان را هموار می‌کند و مسیر اولی امنیت به همراه خواهد داشت، بلکه فلاکت اقتصاد را به همراه می‌آورد. اکنون تهران در حال سنجش گزینه‌های خود است و شاید مسیر دنگ شیان‌خوینگ برای چین را برگزیند.

خطر اشتباه محاسباتی

در همین شرایط، یورونیوز با انتشار گزارشی از هشدار اسرائیلی‌ها نسبت به با سرعت بالای بازسازی زرادخانه موشکی ایران خبر داده است. این گزارش به نقل از مقامات نظامی اسرائیل و ارزیابی‌های اطلاعاتی منطقه‌ای نوشته ایران شش ماه پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، تولید انبوه موشک‌های بالستیک را از سر گرفته و کارخانه‌ها «بی‌وقفه» برای بازسازی قابلیت‌های فعلی خواهند داشت، اما به خودروها سهمیه‌ای داده نخواهد شد و افرادی که مصرف دارند می‌توانند از سهمیه خود مصرف کنند و مازاد را در بازار مبادله کنند. اگر این طرح اجرایی شود منافع آن در جیب افرادی خواهد رفت که یا خودرو ندارند و یا مصرف کمتری دارند و این مورد به تعدیل قیمت‌ها کمک می‌کند. این طرح باعث می‌شود افزایش قیمت سالانه سوخت و تامین هزینه آن به دولت فشار نیارود. دولت همین میزان خانگی بر برق و بنزین و... را به صورت کارانه برای بین مردم توزیع خواهد کرد و هر مقدار که نیاز مردم بود مصرف می‌شود اضافه آن در بازار معامله می‌شود این طرح منطقی‌ترین اقدامی است که از مصرف رویه انرژی که موجب وجود لوازم خانگی بر مصرف و خودروهای پر مصرف شده، جلوگیری کند و بر مصرف‌ها بازار خارج شود. در کشور ما باید میانگین ۷۵ میلیون لیتر بنزین مصرف شود و حدود ۵ میلیون لیتر هم موتورسیکلت‌ها و ۱۰ میلیون لیتر هم خودروهای دولتی باید مصرف کنند. اکنون حدود ۱۲۰ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌شود. اگر قیمت سوخت در مبادله بین مردم اصلاح شود قطعاً قاچاق هم کنترل خواهد شد.

رزمایش هشدار دهنده

ایران یک رزمایش بزرگ دریایی سپاه در خلیج فارس برگزار کرد که این رزمایش‌ها شامل موشک‌های کروز بالستیک با برد ۲۰۰۰ کیلومتر و همچنین پهپاد های انتحاری است. سه سامانه هدافند هواپی در شرایط جنگ الکترونیک در این رزمایش مستقر شدند. طبق گزارش‌های رسانه‌های ایرانی، «این سامانه‌ها با استفاده از هوش مصنوعی توانستند اهداف پروازی و دریایی را در کسری از زمانی شناسایی کرده و با دقت بالا به آنها اصابت کنند». طبق گزارش‌ها، واحدهای دریایی ایران در روز اول رزمایش «به کشتی‌های آمریکایی حاضر در منطقه هشدار دادند و پیام قاطع خود را منتقل کردند»، اگرچه محتوای دقیق پیام‌ها مشخص نشده است و نیروهای آمریکایی در خلیج فارس اظهار نظری نکرده‌اند. ایران همچنین روز جمعه پایان رزمایش‌های مشترک «ضد تروریستی» در آذربایجان شرقی با حضور کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای را اعلام کرد. به ادعای دیپلمات‌های غربی، اسرائیل از طریق واسطه‌های غربی سعی کرده به ایران پیام دهد که به دنبال رویارویی مستقیم دیگری نیست. با این حال، مقامات ایرانی این پیام‌ها را فریبنده دانسته و آنها را رد کرده‌اند. در همین حال، علی محمد نائینی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روز یکشنبه در سخنرانی خود به مناسبت روز دانشجو اعلام کرد که سپاه در طول درگیری ۱۲ روزه، دو بار پایلانشگاه حیفارا گلوله باران کرده و یک مقر موساد را هدف قرار داده و ۳۶ نفر را کشته است. نائینی گفت: «اگر آنها به تأسیسات ذخیره سوخت ما در تهران حمله کردند، ما پنج ساعت بعد در دو نوبت به پایلانشگاه حیفا حمله کردیم. اگر آنها مرکز اطلاعاتی ما را هدف قرار دادند، ما مرکز موساد را هدف قرار دادیم و آنها ۳۶ نفر را کشتند».